

تحلیل دکتر عبدالله گنجی از ساختار کلان بیانیہ گام دوم انقلاب و اجزای آن

بیانیه گام دوم بیانگر ماهیت حقیقی و حقوقی جمهوری اسلامی است



آنچه پیش رو دارید تحلیلی از دکتر عبدالله گنجی، مدیرمسئول روزنامه جوان است که برای نخستین بار در مرکز ماهر سازمان بسیج ارانه گردیده و سپس بازنویسی شده است. دکتر گنجی در این تحلیل با تقسیم‌بندی بیانیہ گام دوم به سه بخش «خاصیص، ویژگی‌ها و تمایزات انقلاب اسلامی»، «چگونه جلو آمدیم و اکنون کجا ایستاده‌ایم؟» و «به کجا می‌رویم و چگونه باید برویم؟» به تحلیل برخی از گزاره‌ها و اجزای بیانیہ پر داخته است. در بخش نخست «مردمی بودن» و «مروت» انقلاب اسلامی در قیاس با سایر انقلاب‌ها و خصایص «خیانت نکردن به آرمان‌ها» و «عدم تغییر مسیر در تنگناها» مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش دوم توضیحاتی پیرامون دستاوردهای انقلاب اسلامی و نگاه کلان رهبر انقلاب به راه آمده در ۴۰ سال گذشته، می‌خوانید و در بخش آخر به صورت مختصر به افقی که بیانیہ گام دوم نمایان ساخته اشاره شده است.

برای فهم، تبیین چپستی و چگونگی اجرایی شدن بیانیہ گام دوم در مرحله نخست باید آن را در تراز انقلاب اسلامی درک کرد. بر همین اساس در این مقال با یک نگاه کلی ساختار کلان بیانیہ را در سه بخش اساسی تقسیم می‌کنیم تا ضمن سامان بخشیدن به ذهن مخاطبان، تبیین و طراحی متناسب با هر بخشی تسهیل گردد.

خصایص، ویژگی‌ها و تمایزات انقلاب اسلامی

در بخش ابتدایی بیانیہ گام دوم با ویژگی‌های انقلاب اسلامی و تمایزات آن با سایر انقلاب‌های جهان آشنایی شویم.

مردمی بودن

یکی از تمایزات برجسته انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها که مقام معظم رهبری بر آن تأکید کرده‌اند «مردمی بودن» است. اگر نگاه تحلیلی به انقلاب‌های بزرگ دنیا از جمله انگلستان، فرانسه، ایران، روسیه و چین بیندازیم، به سهولت در می‌یابیم که در همه این موارد به استثنای انقلاب ایران، تنها یک قشر یا طبقه محور انقلاب بوده‌اند. به عنوان مثال در چین، انقلاب تنها شامل دهقانان بود و عالمان دینی، معلمان، دانشجویان و دانش آموزان در اداره و شروع آن نقشی نداشتند. از همین منظر می‌توان انقلاب چین را انقلابی روستایی – دهقانی به حساب آورد. انقلاب روسیه و فرانسه نیز به همین شکل انقلابی کلاسیک با گراگری بود. در انگلستان نیز زمین‌داران کوچک انقلاب کردند. اما ویژگی متمایز انقلاب ایران در این است که نمی‌توانیم فقط یک قشر را محور قرار دهیم. در انقلاب ایران، استاد، دانشجو، بازاری، روحانی، نظامی، روستایی و شهرن و همه و همه در کنار هم حضور دارند. به عبارتی انقلاب برای همه است. حتی اگر شهیدان دفاع مقدس را بنگرید، در همه اقشار جامعه در میان آنها حضور دارد.

مروت انقلابی

یکی دیگر از ویژگی‌های ذکر شده برای انقلاب اسلامی «مروت انقلابی» است که اتفاقاً این روزها به مرور این مفهوم بسیار نیاز داریم، چرا که با مفهوم سازی‌های غلط چهره‌ای دیکتاتور و غیر پاسخگو از نظام جمهوری اسلامی ارائه می‌کنند. در این مورد هم اگر انقلاب اسلامی را با انقلاب‌های کلاسیک جهان مقایسه کنیم به وضوح تمایز آن مشخص خواهد شد. در تئوری‌های انقلاب «خشونت» یکی از بارزترین ویژگی‌های پذیرفته شده انقلاب محسوب می‌شود. در حالی که انقلاب اسلامی ایران به عنوان اصیل‌ترین انقلاب دنیا با کمترین میزان خشونت همراه است. قلت خشونت انقلابیون ایران علیه نظام پیشین رادر هیچ جای دنیایی‌توان مشاهده کرد. حداکثر کسائی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی از رژیم پیشین اعدام شدند ۱۵۰ نفر است و تردیدی وجود ندارد که اگر دو یا سه سال زمان می‌برد این عده هم اعدام نمی‌شدند. حتی پس از انقلاب و در دوره استقرار نظام هم این مروت انقلابی جاری است و به بسیاری از اشخاص چون بنی‌صدر که خیانت کردند یا سابقه بدی داشتند برعکس برخوردهایی از جنس آنچه در شوروی یا فرانسه اتفاق افتاد، به نوعی اجازه داده شد از ایران بروند و حتی وقتی رفتند و

در دامان دشمن ملت قرار گرفتند باز هم هیچ کاری به آنها نداشت. یا به عنوان مثالی دیگر می‌توان به حصر طراحان فتنه ۸۸ اشاره کرد. اگر هر حقوقدانی را بیابویم اینها را با وجود اتهام‌زنی‌های متعدد و طراحی شده به نظام، حمله به مراکز حاکمیتی و خروج از قانون و حاکمیت به اعدام محکوم می‌کند، در حالی که نظام جمهوری اسلامی مقابل این اشخاص مروت انقلابی به خرج داد و فقط برای جلوگیری از فتنه‌انگیزی‌های بعدی آنها را در حصر قرار داد. اصل‌الاین جمله را که امام(ره) می‌فرمایند: «از خدا می‌خواهم مرگم را برساند که خیانت دوستانم را نبینم» یا پیامی که مقام معظم رهبری در جریان فوت آقای بازرگان، با وجود همه ضرباتی که تفکرات لیبرال به انقلاب وارد کرده بود، صادر کردند، نشانی از همین مروت انقلابی است. به عنوان نمونه‌ای دیگر از مروت انقلابی در دوران استقرار نظام جمهوری اسلامی می‌توان به نحوه تعامل رهبر انقلاب با هسته مرکزی جریان اصلاحات یعنی روحانیت مبارز تهران اشاره کرد. معظم‌له حتی برای اینکه تشکل اینها برقرار بماند به آنها کمک مالی کردند ولی آنها در عوض چه کردند؟

خیانت نکردن به آرمان‌های انقلاب

ویژگی سومی که مقام معظم رهبری برای انقلاب اسلامی برمی‌شمرند، خیانت نکردن انقلاب به آرمان‌های اولیه‌اش است. از جمله ویژگی‌های منحصر به فرد مقام معظم رهبری، توجه ایشان به مسائل روانشناختی است. ایشان در هیچ شرایطی نیمه پر لیوان را راه نمی‌کنند و به جرئت از انقلاب و ویژگی‌های فرهنگی انقلاب دفاع می‌کنند. مثلاً خیلی‌ها وقتی وضعیت کنونی فرهنگ و آسیب‌های اجتماعی را می‌بینند،



بیانیہ گام دوم نشان می‌دهد جمهوری اسلامی دارای دو ماهیت حقیقی و حقوقی است. ماهیت حقوقی جمهوری اسلامی شامل ساختارهایی می‌باشد که در همه کشور های دنیا مشترک است. ماهیت حقیقی اما عبارت است از دشمن شناسی، استکبار سستیزی، مردمی بودن، نفی اشراف‌پریری، عدالتخواهی، احترام به شهید و شهدادت و ساده زیستی

تصور می‌کنند همه چیز نابود شده و شکست خورده است اما مقام معظم رهبری به صراحت دستاوردهای فرهنگی و اخلاقی انقلاب را برشمرده و به آنها افتخار می‌کنند. در قسمتی از بیانیہ که ایشان در باب «اخلاق و معنویت» صحبت می‌کنند، می‌فرمایند: «مجاهدتهای جوانان در میدان‌های سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد. پدران و مادران و همسران با احساس وظیفه دینی از عزیزان خود که به جبهه‌های گوناگون جهاد می‌تافتند دل کنند و سپس آنگاه که با پیکر خون لود یا جسم آسیب‌دیده آنان روبه‌رو شدند، مصیبت را با شکر همراه کردند. مساجد و فضاهای دینی رونقی بی‌سابقه گرفت. صف نوبت برای اعتکاف از هزاران جوان و استاد و دانشجو و زن و مرد و صف نوبت برای اردوهای جهادی و جهاد سازندگی و بسیج سازندگی از هزاران جوان داوطلب و فدائکار آکنده شد. نماز، حج، روزه‌داری، پیاده‌روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و اتفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به‌ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روز به روز بیشتر و با کیفیت‌تر شده است و اینها همه در دورانی اتفاق افتاده که سقوط اخلاقی روزافزون غرب و پیروانش و تبلیغات پُر حجم آنان برای کشاندن مردوزن به لجنزارهای فساد، اخلاق و معنویت رادر بخش‌های عمده عالم منزوی کرده است و این معجزه‌ای دیگر از انقلاب و نظام اسلامی فعال و پیشرو است. اینها را مقام معظم رهبری با بیان اینکه به اصالت انقلاب خیانت نکردیم بیان می‌کنند. شرط فهم این ویژگی باز شناخت انقلاب‌های دیگر و فهم این مسئله است که در انقلاب اسلامی هرگز اینطور نبوده که مردم فرزندان خود را به قربانگاه بفرستند و مقام معظم رهبری و امام(ره) دنبال تکثر ثروت و کسب قدرت باشند. مقام معظم رهبری در سخنرانی با اشاره به اجرای موبه‌موی فرامین امام(ره) بیان می‌کنند که بسیاری در این راه بریند و ولی ما هنوز ادامه می‌دهیم و بر آرمان‌های از جمله عدالت، آزادی، دفاع از مسئله فلسطین، دشمنی با امریکا و صهیونیست، مبارزه با اشراف‌پریری و حفظ هویت ایرانی – اسلامی تعبیر قاطع می‌ورزیم.

عدم تغییر مسیر انقلاب در تنگناها

ویژگی چهارمی که در بیانیہ گام دوم برای انقلاب ترسیم شده این است که انقلاب با وجود آنکه بارها در تنگناهایی قرار گرفته است، شاید روش‌ها و تاکتیک‌ها را تغییر داده، اما هرگز مسیر خود را عوض نکرده‌ام. برای اینکه بهتر متوجه این موضوع شوید انقلاب فرهنگی چین را مطالعه کنید. ماؤ در سال ۱۹۶۶ انقلاب فرهنگی چین را که بزرگ‌ترین و اساسی‌ترین کشمکش قدرت در حزب کمونیست بود، به

رهبری همسرش چیانگ برپا و ارتشی به نام گاردهای سرخ را از میان دانشجویان و دانش آموزان برای حمایت از ماؤو ایجاد کرد. انقلاب فرهنگی چین در واقع برای تصفیه داخلی حزب کمونیست طراحی شده بود تا رهبری ماؤو تضمین شود. ماؤو این رویداد را به عنوان یک «تصفیه بزرگ» به شمار آورد. اهداف اصلی او، حذف افرادی بود که معتقد بودند تلاش‌های ماؤو در اشتراکی و صنعتی کردن کشور در طرح «جوش بزرگ به جلو» فاجعه است. از همین‌رو در جریان این انقلاب، چهره‌های میانه‌روی حزب اخراج شدند و در سال ۱۹۶۸ نام «مرد برتر چین» را برای خود برگزید. گاردهای سرخ نیز با اینکه در ابتدا برای حمایت از ماؤو تشکیل شده بودند، در سال ۱۹۶۹ به دست ارتش چین سرکوب شدند. از سال ۱۹۵۶ حزب کمونیست چین به دلیل فقدان تجربه کافی در جریان رهبری اقتصادی و نوسازی، اشتباهاتی را مرتکب شد که موجب گردید در قحطی ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱، ۲۸ میلیون نفر جان خود را از دست دهند. رژیم ماؤو در آن سال‌ها محصولات زراعی کشور را مصادره و به ازای دریافت جنگ آفرار و حمایت سیاسی به اروپای شرقی که زیر کنترل کمونیست‌ها بود، صادر می‌کرد. همچنین مواد غذایی و پول بسیاری را برای حمایت از نهضت‌های ضد استعماری و کمونیستی به آسیا، آفریقا و امریکای لاتین می‌فرستاد. کشتار تودور در طرح «جوش بزرگ به جلو» چیزی بود که ماؤو خود را برای آن آماده کرده بود. بعد از مرگ ماؤو، جانشینان او که مهم‌ترین‌شان «دنگ زیائوپینگ» بود بر سر اینکه چطور می‌توانند با وجود جنایت‌های بسیار ماؤو پیروا باشند بحث‌های بسیاری کردند. آنها می‌دانستند اگر علنی از ماؤو دست بردارند حیثیت خود را از دست می‌دهند. سرانجام به این نتیجه رسیدند که نمی‌توانند به اندیشه و راه و روش ماؤو اصرار کنند و اگر از ماؤو جدا می‌شدند بی‌هویت خواهند شد، در اقداماتی نمادین عکس او را در همه مجالس، اداره‌ها و میدان‌های بزرگ شهر قرار دادند اما در عمل آنچه را که خود صحیح می‌دانستند، انجام دادند بنابراین شما امروز می‌بینید که چین نه نظام کمونیستی دارد و نه اقتصاد اشتراکی، بلکه لیبرال شده و از کمونیست عدول کرده است.

مانیز در حال گرفتار شدن به بلیه چین بودیم؛ برای مثال مصاحبه‌ای آقای جلالی پور با سایت جمارن به نام «صلاح‌طلبان و امام» انجام داده‌اند که در آن از امام تفسیری کاملاً غرب پسندانه ارائه شده است، اما برخلاف جانشینان ماؤو، تعبیر مقام معظم رهبری و تلاش ایشان برای احیای امام خمینی (ره) و شناساندن خط امام به نسل جوان انقلاب مانع فراموش شدن یا تحریف خط امام شد که نمونه این را هر سال در مراسم ۱۴ خرداد شاهد هستیم.



چگونه جلو آمدیم و اکنون کجا ایستاده‌ایم؟

بخش دوم

در بخش دوم بیانیہ، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به چالش‌ها، کامیابی‌ها، توطئه‌های دشمنان و دستاوردهای مادی و معنوی انقلاب اسلامی می‌پردازند. رشد علمی و فرهنگی، نظام سازی، اقتدار ملی، قدرت منطقه‌ای، تحقق مردم‌سالاری دینی در کشور و ترویج معنویت و شهادت از جمله موارد اشاره شده در این بخش است. این دستاوردها تنها محدود به دستاوردهای مادی هم نیست و ابعاد دیگری چون استقلال سیاسی، وحدت ملی، غرور، عزت و اقتدار ملی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. معظم‌له به دست آوردن این دستاوردها را در عین بی‌تجربگی در نقطه آغاز راه می‌داند. این بدین معناست که انقلاب اسلامی از جایی الگو و الهام نگرفته است. کامیابی‌ها محصول ملی، تلاش و اندیشه بومی است. هر کجا انقلابی عمل کرده‌ایم، دستاوردها نیز محقق شده است. اگر با وجود درگیری در جنگ، تحریم، تجزیه‌طلبی، فتنه، فشارهای بین‌المللی و تنگناهای مختلف دیگر در مسائلی همچون انرژی هسته‌ای و تسلیحات موشکی به قله رسیده‌ایم، محصول تجربه و تلاش خودمان بوده است. اگر هم در مواردی مثل کنترل جمعیت خطایی مرتکب شده‌ایم، در عین حفظ اصول اساسی و خط امام دست به اصلاح اشتباهات می‌زنیم. بنابراین اصلاح و تجدید نظر ناپذیری که در بیانیہ به آن اشاره می‌شود به عنوان یک اصل و نکته‌ای بسیار مهم در گام دوم انقلاب است.

جامعیت حرکت انقلاب اسلامی و عدم رشد تک بعدی آن نیز از دیگر مؤلفه‌های قابل درک از بخش دوم بیانیہ است. همچنین در این بخش مقام معظم رهبری تأکید می‌کنند که ما «جوشش انقلابی» را توأم با «نظام سیاسی –اجتماعی» پیش بردیم؛ این به عنوان یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد انقلاب محسوب می‌شود. جز انقلاب اسلامی هیچ انقلابی را نمی‌توان نام برد که انقلابیون وقتی درگیر نظام‌سازی شدند، روحیه انقلابی خود را چه در نوع رفتار و گفتار در سیاست داخلی و خارجی و چه در حفظ روحیه جهاد و شهادت، حفظ کردند. فقط انقلاب ما این ویژگی را دارد. مقام معظم رهبری فرمودند: «اگر روحیه انقلابی ما حذف شود جمهوری اسلامی کارش تمام است.»

در کنار موارد بیان شده یک ساختار کلان نیز از این بیانیہ می‌توان برداشت کرد. متن بیانیہ نشان می‌دهد جمهوری اسلامی دارای دو ماهیت حقیقی و حقوقی است. ماهیت حقوقی جمهوری اسلامی در اصل شامل ساختارهایی از جمله دانشگاه، نیروهای مسلح، قوای مجری و مقننه، قضائیه و مدارس است، این ساختارها در همه کشورهای دنیا مشترک است. ماهیت حقیقی جمهوری اسلامی

اما عبارت است از دشمن شناسی، استکبار سستیزی، مردمی بودن، نفی اشراف‌پریری، عدالتخواهی، احترام به شهید و شهادت و ساده زیستی. مطابق آنچه مقام معظم رهبری فرموده‌اند اگر این ماهیت حقیقی را از جمهوری اسلامی بگیریم مانند دندان پوکی می‌شود که نمایی زیبا دارد، ولی با یک ضربه سخت فرو می‌ریزد. اگر جمهوری اسلامی ماهیت حقیقی خود را از دست دهد تأثیر گذاری خود را در قلب ملت‌ها از دست خواهد داد و در بهترین حالت تنها جمهوری همانند پاکستان و افغانستان خواهیم بود.



به کجا می‌رویم و چگونه باید برویم؟

بخش سوم

در بخش سوم بیانیہ گام دوم، نقشه راه افق بلند تمدن نوین اسلامی با محورهای شش‌گانه ترسیم شده است. محور هاشان می‌دهد شرط حرکت به سمت تمدن نوین اسلامی، توجه به عرصه‌ها یا نگاهی کلان و جامع‌نگر است. این بخش از بیانیہ هم شامل نکاتی ویژه حوزه عمومی و هم شامل نکاتی متوجه حاکمیت است که هر کدام از آنها نیازمند طراحی راهکارهای عملیاتی است. اقتصاد به عنوان محوری اساسی در کنار روحیه اسلامی – انقلابی، حفظ استقلال سیاسی و عزت ملی تأکید خواهد داشت

و مرزبندی تمدنی با غرب لازمه هویت تمدن نوین اسلامی است. خطاب این بخش عمدتاً به جوانانی است که سکاندار عرصه‌های علمی، فکری و مدیریتی کشور در آینده خواهند شد. ورود این جوانان به صحنه مدیریتی کشور نیازمند قوانین و ضوابط حاکمیتی است که مجلس و دولت باید با کمک هیئت‌های اندیشه‌ورز نظام بدان اهتمام ورزند.